

بسم الله الرحمن الرحيم

در فقه معاصر یکی از روش هایی که اهل بیت برای پاسخ گویی به مسائل جدید افتتاح باب اجتهاد هدفمند بود.

یک دسته روایاتی که به آنها استدلال شده روایاتی که تعبیر به افت للناس دارد مانند یا ابان اجلس فی مسجد المدینه و افت للناس فانی احب ان یری فی شیعتی مثلک؛ گفتیم اینگونه روایات دلالت بالمطابقه بر افتتاح اجتهاد ندارد بلکه سازگار با نقل فتوای امام صادق و باقر علیه السلام است؛ چون فتوا به معنای حکم است.

ان قلت - اطلاق آن شامل فتوای تقلیدی و اجتهادی می شود.

قلت - این در صورتی اگر بتوان اطلاق آن را اثبات کرد و بگوییم در مقام بیان این جهت است دلالت دارد؛ اما اگر در مقام بیان اجتهاد و تقلید نیست بلکه در این مقام است که بگوید ابان شایستگی آن را دارد به بیان احکام پیردازد نمی توان به آن استدلال کرد. به نظر می رسد ادله که گفتیم کافی باشند.

طایفه دوم: نهی از فتوای بدون علم

روایاتی که از فتوای بدون علم نهی می کند. مفهوم این احادیث کسی که با علم و آگاهی از ناسخ، منسوخ، محکم متشابه، فتوا می دهد مجاز است این دلیل افتتاح باب اجتهاد است.

پاسخ این مطلب همان است که بیان شد فتوا همیشه به معنای اجتهاد نیست، چه بسا نقل فتوا به معنی تقلید می تواند باشد لکن تفاوتی بین این روایات و روایات قبلی دارد. در روایات قبلی که می فرماید و افت للناس قابل تطبیق بر تقلید بود ولی در این روایات می گوید ناسخ منسوخ محکم و متشابه را بداند و فتوا بدهد با نقل فتوای تقلیدی سازگار نیست بلکه مربوط به اجتهاد است.

از جمله روایاتی که درباره افتتاح باب اجتهاد استدلال شده روایاتی که نهی از فتوای بدون علم می کند، مفهوم این روایات، کسی که با آگاهی از ناسخ، منسوخ، محکم، متشابه فتوا می دهد مجاز به فتوا دادن است پس این دسته روایات دلیل بر افتتاح باب اجتهاد و استنباط است. پاسخ این مطلب همان است که در روایات قبل گفتیم، فتوا همیشه به معنای اجتهاد نیست چه بسا نقل فتوا به معنای تقلید نیز می تواند باشد لکن در این جا تفاوتی بین این روایات و روایات قبلی وجود دارد در روایات قبلی افت للناس سازگار نقل فتوای تقلیدی است، اما در این دسته

روایات می فرماید ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه را بدانند که با سازگار با تقلید نیست بلکه مربوط به اجتهاد است.

الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۱، ص: ۴۳

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ ابْنِ شُبْرُمَةَ قَالَ: مَا ذَكَرْتُ حَدِيثًا سَمِعْتُهُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِلَّا كَأَنِّي أَتَصَدَّعُ قَلْبِي قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ ابْنُ شُبْرُمَةَ وَ أَقْسِمُ بِاللَّهِ مَا كَذَبَ أَبُوهُ عَلَى جَدِّهِ وَلَا جَدُّهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ عَمِلَ بِالْمَقَائِيسِ فَقَدْ هَلَكَ وَ أَهْلَكَ وَ مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ النَّاسِخَ مِنَ الْمَنَسُوحِ وَ الْمُحْكَمَ مِنَ الْمُتَشَابِهِ فَقَدْ هَلَكَ وَ أَهْلَكَ.

سند روایت

محمد بن عیسی بن عبید یقطینی است استاد شیخ صدوق به روایت محمد بن عیسی از یونش اشکال کرده است، که همه بر اشکال ایشان نقد کردند که اشکالی به روایت محمد بن عیسی از یونش نیست. داود بن فرقد، نجاشی: موفی ثقة روی عن ابی عبدالله و ابی الحسن، قال ابن فضال داود ثقة ثقة له کتاب، پس تا اینجا سند درست است. عمن حدیثه روایت را مرسل می کند. ابن شبرمه با ضم معجمه و سکون الموحدة(باء) و ضم الراء خوانده شده شبرمه، و به فتح معجمه خوانده شده شبرمه یا شبرمه و به کسر هم خوانده شده است. ابن شبرمه کان قاضیا علی سواد الکوفه و کان شاعرا؛ ابو جعفر منصور بر منطقه از کوفه او را قاضی قرار داده بود. از مناصب مهم در هر دستگاهی از جمله دستگاه بنی العباس و ابو منصور غاصب او را نصب کرده است و در هر صورت روایت عامی است

دلالت روایت

روایتی را از امام صادق علیه السلام نشنیدم مگر نزدیک بود قبلم پاره شود. پیامبر فرمودند: هر کس عمل مقایس کند خود و دیگران را نابود کرده است، و کسی که نداند محکم و متشابه را نداد و بدون علم فتوا بدهد خود هلاک و دیگری را هلاک می کند. مفهوم روایت این است کسی که با علم به ناسخ و منسوخ فتوی بدهد خود را به هلاکت نمی اندازد.

روایات علاجیه

روایات علاجیه از جمله روایاتی هستند که می توان افتتاح باب اجتهاد را ثابت کرد استدلال کرد. از این روایات تعارض بین اخبار را حل می کنیم مفهیم باب اجتهاد باز است چون اگر باب اجتهاد بسته بود جالی برای روایات علاجیه نمی ماند. بنابراین از روایات استفاده می توانید با روایات اجتهاد را ثابت کنید. در مسیر اجتهاد بر می خورید به مشکل برای حل آن شهرت، موافق کتاب و مخالف عامه را ببینید؛ اهل بیت استنباط احکام و طریقه آن را به اصحاب خود نشان دادند شیخ حر عاملی در جلد ۲۸ وسائل الشیعه نقل کرده است ۴۸ روایت نقل می کند که به آنها روایات علاجیه می گویند.

بنابراین افتتاح باب اجتهاد با گستردگی که دارد به همین مقدار اکتفا می شود. از مباحث آن افتتاح باب اجتهاد عند الشیعه و السنة و ادله قائلین به انسداد عند السنة و نیز قائل به افتتاح هم شدند اگر در این بحث ورود کنیم از مقصود اصلی دور می شویم.

اطلاقات و عمومات

دومین روش در فقه کاربردی استفاده از عمومات و اطلاقات است. اطلاق بر خلاف عموم لفظ خاص ندارد اما عمومات لفظ خاص دارند. اطلاقات اگر انصراف نداشته باشد و اثبات شود مثلاً مولى در مقام بیان باشد، قرینه بر خلاف اقامه نکرده و قرینه در مقام تخاطب نباشد، بیانگر قضیه حقیقه است. قضیه بر دو قسم قضیه و قضیه خارجی است. قضیه حقیقه اختصاص به زمان و مکان خاص ندارد، مانند آیه وفای به عقد یا ایها الذین آمنوا بالعقود. العقود جمع محلی به ال است، عقد تأمین و بیمه یک عقد عرفی است، فرض اینکه بیمه شرایط عمومات عقود را داشته باشد عقود توقیفی نیست لذا هر عقد عرفی را در بر می گیرد و چون یک عقد عرفی برای ورود با اطمینان در کارهای لازم است. آیه حل احل الله البیع، البیع اطلاق دارد در هر زمانی اشکالی دارد مثلاً بورس در زمان پیامبر و اهل بیت نبوده بورس نوعی بیع است و مشکل تراز بورس ارز دیجیتال که نوعی است؛ آیا می توان با احل الله البیع مشکل آن را حل کرد؟ آیه و الصلح خیر، المومنون عند شروطهم، بسیاری از مسائل نو پدید می توان با قرار دارد زیر مجموعه عمومات و اطلاقات، حل کرد؛ خصوصاً عمومات و اطلاقاتی که تعلیل دارند مانند لاتشرب الخمر لانه مسکر، بخاطر تعلیل کل مسکر حرام است. بنابراین عمومات و اطلاقات مجتهد را در حل مسائل نوپدید را باز می گذارد البته لحاظ همه شرایط.